شنبه ۱۳ بهمن ۱۴۰۳
شماره ۴۳۴۳
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

حجت میان‌آبادی، پژوهشگر دیپلماسی آب در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

باید بین خودمان و طالبان مسئله مشترک ایجاد کنیم

علی ملکی
خبرنگار گروه نقد روز

«مردم سیستان‌وبلوچستان هم برادران ما هستند و ما بین مردم هیرمند و نیمروز با این مردم فرقی نمی‌گذاریم.» این اولین موضع «مولوی امیرخان‌متقی» وزیر خارجه حکومت سرپرستی افغانستان درباره حقابه هیرمند پس از سفر عباس عراقچی به این کشور بود. متقی در این نشست با اشاره به درگیری افغانستان با خشکسالی گفت که حتی اگر توافق و معاهده‌ای هم در کار نبود ما براساس «اسلامیت و انسانیت» این را وظیفه خود می‌دانستیم که به مردم سیستان‌وبلوچستان آب برسانیم. این دیدگاه بسیار ارزشمند است و با مشارکت دو طرف می‌تواند نقطه پایانی بر اختلافات دو کشور باشد. وقتی کشوری در بالادست رودخانه قرار دارد، تصمیماتش تنها به مرزهای خودش محدود نمی‌شود و مستقیما بر حیات کشور پایین‌دست اثر می‌گذارد. «پایبندی به اصول اسلامی و انسانی» به‌جای معاهداتی که در بسیاری از نقاط جهان بارها زیر پا گذاشته شده‌اند بسیار ارزشمند است. با این حال اما این نگرانی وجود دارد که این گفته‌ها صرفا در همان محافل رسمی رد و بدل شوند و در عرصه عمل درخت امید مردم رنج‌کشیده نقاط پایین‌دست، روزبه‌روز خشک‌تر و خشک‌تر شود. حجت میان‌آبادی، پژوهشگر دیپلماسی آب و عضو هیئت‌علمی دانشگاه تربیت مدرس معتقد است تعریف مسئله مشترک می‌تواند نقاط آسیب‌دیده دو کشور را از قحطی نجات دهد. در ادامه متن کامل گفت‌وگوی وی با «فرهیختگان» را از نظر می‌گذرانید.

نظر امیرخان متقی امیدوارکننده است

میان‌آبادی با اشاره به ارزنده و سازنده بودن آخرین اظهارات امیرخان متقی درباره هیرمند گفت: «اظهارنظر امیرخان متقی بسیار مهم است که مناسبات هیدروژیکی دو کشور از مسائل سیاسی و در سطحی پایین‌تر، مسائل حقوقی، به مسائل انسانی و سپس به مباحث مبتنی بر شریعت، ایدئولوژی شریعت و باورهای مذهبی مشترک مبتنی بر اسلام گره بخورد. این رویکرد بسیار ارزنده و سازنده است. اینکه یک حکومت یا یک سیستم، تأمین امنیت آب کشور پایین‌دست را نه صرفا مبتنی بر معاهدات، بلکه حتی بر پایه مسائل انسانی تضمین کند، نکته‌ای بسیار ارزشمند است. در مناقشات آبی میان کشورهای اتحادیه اروپا نیز گاه اختلافات آبی منجر به تلفات جانی می‌شود و همکاری‌های آبی آن‌ها لزوما بر این اصولی که میان ما مطرح است، استوار نیست. بنابراین، این اظهارنظر بسیار سازنده و امیدوارکننده به نظر می‌رسد.»

اما در داخل ایران یک نگرانی وجود دارد؛ آیا این اصول، یعنی پایبندی به معاهده، تأمین آب برای انسان‌های پایین‌دست و حفظ محیط‌زیست، در عمل و به‌طور واقعی رعایت خواهد شد؟ از این مرحله به بعد است که اختلافات آغاز می‌شود.

ایران حتی در زمان کم‌آبی آب «زرنج» افغانستان را تأمین می‌کرد

هرکدام از افراد، گروه‌ها و نهادها باید نقشی تعریف‌شده در رفع این اختلافات داشته باشند. این پژوهشگر مسائل دیپلماسی آب درباره نقش «هیدروپولیتیسین‌ها» در قبال این مسائل توضیح داد: «ما وظیفه داریم آنچه را که به‌عنوان مبنا و پایه همکاری آبی مطرح شده، یعنی همکاری مبتنی بر مبانی انسانی و اسلامی، به‌درستی بررسی کنیم. اگر این فوندانسیون محکم و واقعی باشد، می‌تواند حتی بهتر از بسیاری از معاهدات عمل کند و برای کشورهای حوزه آبی مفیدتر باشد. اما نگرانی اینجاست که علی‌رغم این نگاه مشترک میان مسئولان دو کشور همچنان موانعی در مسیر همکاری نهایی آبی وجود دارد. از یک‌سو، مقامات دو کشور بر مسائل انسانی و اسلامی تأکید دارند و هر دو، مردم دو سوی مرز را از خود می‌دانند. ایران می‌گوید «زرنج» افغانستان همان زابل ایران است و علی‌رغم کم‌آبی زابل، سال‌ها آب آشامیدنی زرنج را تأمین کرده است. از سوی دیگر مقامات افغانستان نیز تأکید دارند که سیستان ایران با زابل و زرنج تفاوتی ندارد و هر دو، انسان‌هایی هستند که نیاز به آب دارند. این نگاه بسیار ارزشمند است. پس مشکل کجاست؟»

مهم‌ترین مسئله «طرح درست مسائل» است

میان‌آبادی با اشاره به اهمیت «طرح درست مسائل» در حل اختلافات گفت: «چرا علی‌رغم این فوندانسیون قوی و بستر مناسب، این باور و نگاه عمیق منجر به همکاری نهایی آبی نمی‌شود؟ در اینجا باید به سمت ایجاد «شبکه مسائل» حرکت کرد. پژوهشگران، متخصصان، سیاست‌گذاران و مسئولان هر دو کشور باید مسائل خود را مطرح کنند و به یک درک مشترک از چالش‌های موجود برسند. سؤالات اساسی که باید مطرح شوند عبارتند از اینکه آیا در افغانستان واقعاً تغییر اقلیم رخ داده است؟ میزان کاهش منابع آبی ناشی از تغییر اقلیم در این کشور چقدر است؟ مطالعات اخیر، که در مجله Scientific Nature منتشر کرده‌ایم، نشان می‌دهد که عدم تأمین آب در پایین‌دست ایران بیش از آنکه ناشی از تغییر اقلیم باشد به‌شدت تحت‌تأثیر تصمیمات سیاسی در کشور بالادست هیرمند بوده است. بنابراین این موضوع به اراده سیاسی نیاز دارد. با توجه به خشکسالی‌های اخیر که در همه کشورها رخ داده، آیا میزان سطح زیر کشت و گسترش کشاورزی در افغانستان نیز کاهش یافته است یا برعکس، افزایش داشته است؟»

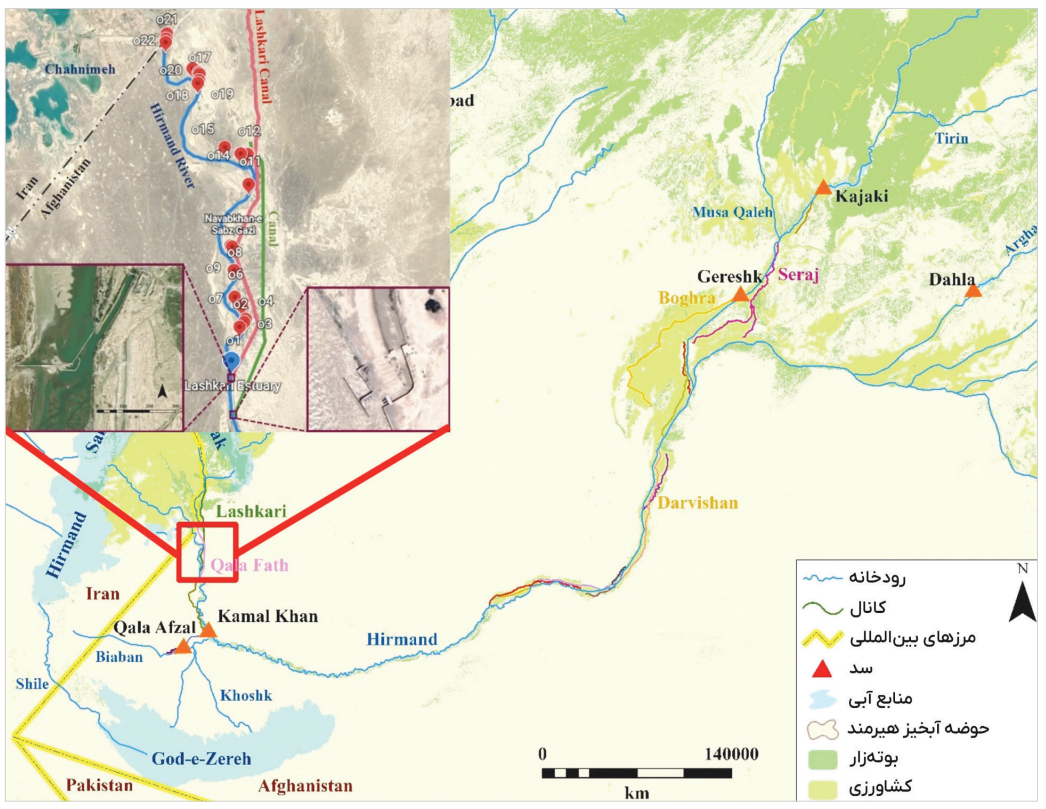

تبخیر، نفوذ آب در کف رودخانه و سازه‌های غیراصولی؛ مسئله کدام است؟

یکی از مهم‌ترین بخش‌های اظهارات متقی، اشاره او به نفوذ آب در مسیر یا تبخیر آن به دلیل طولانی بودن مسیر بود. میان‌آبادی با اشاره به اهمیت این گزاره گفت: «اگر این مسئله واقعیت داشته باشد، پژوهشگران و متخصصان باید کنار هم بنشینند و بررسی کنند که آیا علت نرسیدن آب از افغانستان به ایران، واقعاً طولانی بودن مسیر، نفوذ آب در بستر رودخانه یا تبخیر آن است؟ اینجا باید این سؤال را مطرح کرد: «اگر این ادعا درست باشد، چرا آب تا سد کمال‌خان، نهر لشکری، و مناطق نزدیک شهر زرنج و مرز ایران بدون مشکل می‌رسد؟»

برخلاف حکم رهبر طالبان، اگر آب کم است، میلیاردها متر مکعب از سد کمال‌خان منحرف شده و وارد شوره‌زار گوده‌زره شده و تبخیر می‌شود. آیا اگر سازه سد کمال‌خان اصلاح و حقابه قانونی ایران تأمین شود، این آب نمی‌تواند نیاز ایران را برطرف کند؟ قطعاً می‌تواند. آیا این آب نمی‌تواند نیازهای محیط‌زیستی هیرمند را تأمین کند؟ بله، می‌تواند.

بنابراین کارشناسان، متخصصان و سیاست‌گذاران باید کنار هم بنشینند و مسئله را به‌درستی تعریف و حل کنند. اینجا نقش متخصصان حوزه آب فارغ از نگاه‌های سیاسی و سیاست‌زده بسیار مهم است. آن‌ها باید بر اساس یک تعریف علمی دقیق، متناسب با بستر انسانی و اسلامی موجود، به بررسی مسئله بپردازند. در این مرحله وظیفه متخصصان، سیاست‌گذاران و سیاستمداران مشخص می‌شود. اکنون که مسئولان ارشد دو کشور پذیرفته‌اند که مسئله آب برای مردم دو سوی مرز، یک مسئله انسانی و به‌ویژه اسلامی است، نقش متخصصان این است که بر همین مبنا، یک تعریف علمی و واقع‌بینانه از مشکل ارائه دهند. آن‌ها باید فارغ از نگاه‌های سیاسی، قومی یا هر عامل دیگر، مسئله را به‌درستی تعریف کرده و علت نرسیدن آب و عدم تأمین حقابه را مشخص کنند. این موضوع کاملا قابل محاسبه است و هیچ خدشه‌ای به آن وارد نمی‌شود. اگر از سد کجکی یا سد کمال‌خان، آبی به میزان کافی رهاسازی شود، آیا در مسیر، میزان نفوذ و تبخیر آن‌قدر بالاست که امکان رسیدن آب به ایران را ناممکن سازد؟ علم باید به این پرسش پاسخ دهد. نقش نفوذ و تبخیر چقدر است؟ آیا این عوامل فقط دو درصد تأثیر دارند یا ۲۰ درصد؟ عوامل دیگر چه هستند؟ آیا موانع طبیعی باعث نرسیدن آب به ایران و تأمین حقابه مردم سیستان و ساکنان دو سوی مرز است یا عوامل سیاسی؟ کدام عامل تأثیر بیشتری دارد؟

سد کمال‌خان حتی مردم افغانستان را هم محروم می‌کند

پس از مشخص‌شدن نقش هر یک از عوامل نوبت به ابزارهای مواجهه با این مسئله می‌رسد. میان‌آبادی در این باره گفت: «آیا نمی‌توان آب را به گونه‌ای مدیریت کرد که از هدررفت آن جلوگیری شود؟ آیا نمی‌توان سازه سد کمال‌خان را اصلاح کرد تا آب به شوره‌زارهای گوده‌زره نرود، تبخیر نشود و در عوض، برای تأمین آب مردم زرنج و زابل مورد استفاده قرار گیرد؟ چون آبی که از کمال‌خان منحرف و وارد شوره‌زار گوده‌زره می‌شود، نه‌تنها مردم ایران، بلکه مردم زرنج افغانستان را نیز محروم می‌کند. آیا امکان اصلاح این سازه وجود ندارد؟ آیا هیچ راهکار فنی دیگری برای حل این مشکل در دسترس نیست؟ آیا هیچ سازوکار علمی‌ای برای مواجهه با این مسئله وجود ندارد؟ اینجاست که من بر یک موضوع بجد تأکید می‌کنم: «تعریف مسئله واحد و مشترک» این موضوع نیاز امروز همکاری‌های آبی ایران و افغانستان است. بنابراین تعریف مسئله مشترک باید گام بعدی باشد، آن هم بر مبنای این بستر همسان. اکنون که بستر مشترک انسانی و اسلامی بین مسئولان دو کشور به‌درستی مورد تأیید قرار گرفته است، باید سراغ تعریف مسئله مشترک برویم. آیا واقعاً مشکل اصلی، تبخیر و نفوذ آب است؟ اگر نیست، چه عوامل دیگری در این مسئله نقش دارند؟ حتی اگر این عوامل فقط ۲ درصد یا ۲۰ درصد تأثیر داشته باشند، عوامل چیستند؟ علم چگونه می‌تواند به این پرسش‌ها پاسخ دهد؟ اما به یک شرط: سیاستمداران دو کشور همچنان باور داشته باشند که مردم زرنج و زابل یکی هستند. سیستان ایران و سیستان افغانستان یک هویت دارند.»

تثبیت اصول انسانی و اسلامی می‌تواند مسئله مشترک ایجاد کند

عضو هیئت‌علمی دانشگاه تربیت‌مدرس در بخش پایانی گفت‌وگو با تاکید بر اینکه مرزهای سیاسی که انسان‌ها ایجاد کرده‌اند، نباید بر این موضوع تأثیر بگذارند، ادامه داد: «آنچه تعیین‌کننده است، انسانیت و اسلام است. اگر این اصل به‌طور محکم تثبیت شود، می‌توان سراغ تعریف مسئله مشترک رفت. این مسئله می‌تواند ما را یک گام به حل اختلافات و شفاف شدن مشکلات نزدیک‌تر کند. اما نگرانی‌ای که وجود دارد این است که علی‌رغم این اظهارات، در عمل وضعیت متفاوت باشد. پس حالا باید چه کرد؟ گام بعدی چیست؟ گام بعدی، تعریف مسئله مشترک است، آن هم بر مبنای همین مبانی انسانی و اسلامی که میان دو کشور وجود دارد و این کار باید با کمک تمام کسانی که می‌توانند در این حوزه تأثیرگذار باشند، انجام شود؛ سیاست‌گذاران، سیاستمداران، پژوهشگران، دانشگاهیان و حتی فعالان اجتماعی. اگر زمانی الفبای دیپلماسی مطرح بود اکنون نوبت روایت یک مسئله مشترک میان مردم ایران و افغانستان است. در اینجا، از سیاستمداران تا مردم عادی همه باید روایتی از این مسئله داشته باشند.»

باباحسن در «معبد زیرزمینی»!

حسین رجائی
فعال رسانه

بچه که بودم باباحسن همه‌چیزم بود. صلابت و مهربانی توأمان پدربزرگم من را شیفته او می‌کرد. مثل بیشتر پیرمردهای روستا، پدربزرگم کشاورزی می‌کرد. البته چندتایی گاو و گوسفند هم داشت؛ هرچند بیشتر اوقاتش را پشت دکه مغازه‌اش می‌گذراند. این مغازه‌نشینی البته از روی اختیار نبود، از زمانی اتفاق افتاد که اصابت قطعه‌ای سخت از بالای چاه قنات، پدربزرگم را از کار افتاده کرد. او که چهار دهه از عمرش، مقنی شناخته‌شده روستایمان بود و می‌گفتند در مهندسی و طراحی تونل‌های قنات استعداد خاصی داشته است. من برنامه روزانه پدربزرگم را خوب می‌شناختم. نیمه‌های شب از خواب برمی‌خاست و برای آبیاری زمین‌ها، فانوس به دست به دل تاریک صحرا می‌زد. خروس‌خوان هم که از صحرا برمی‌گشت مستقیم راهی مسجد می‌شد. او مؤذن مسجد روستا بود. بعد از نماز، به سراغ تیمار حیوانات می‌رفت و بعد از آن نوبت حضورش در مغازه بود. کنار دستش که در مغازه می‌نشستم داستان‌هایش را برایم می‌گفت. از اینکه حفر قنات چه کار پرزحمتی بوده است؛ هفته‌ها و گاهی ماه‌ها زندگی دور از خانواده، در دل بیابان‌ها، پنجه در پنجه طبیعت خشک و سخت کویر. کار کردن با بیل و کلنگ، آن هم ده‌ها متر زیر سطح زمین نباید خیلی هم راحت باشد ولی من تا وقتی برای اولین‌بار در یک گردش تفریحی در تونل‌های تنگ و تاریک قنات قدم نزدم متوجه حقیقت سختی کار پدربزرگم نشدم. او البته آن‌هنگام دیگر در قید حیات نبود تا بر دستان پینه‌بسته‌اش بوسه زنم.

باباحسن داستان‌های زیادی برایم تعریف کرده بود ولی از عملیات فتح‌المبین چیزی نگفته بود و من هم چیزی نمی‌دانستم تا آن روزی که از صداوسیما برای مصاحبه با او و مادربزرگم آمدند. بعدها مستند «محرمانه» را در تلویزیون دیدم. پدربزرگم می‌گریست و از معجزاتی که موقع کار در تونل در کنار حاج غلامحسین دیده بود، صحبت می‌کرد. نام شهید غلامحسین رعیت‌رکن‌آبادی را پیش از آن نشنیده بودم. دوست داشتم بیشتر در موردش بدانم ولی فرصتی دست نداد تا روزی که با کتاب «معبد زیرزمینی» روبه‌رو شدم.

پنجشنبه گذشته، روزی کم‌نظیر برای روستای ما بود. روستایی که با تقدیم ۷۳ شهید سرفراز، دومین روستای شهیدپرور کشور نام گرفته است؛ روستای رکن‌آباد شهرستان میبد یزد. هیچ‌گاه این همه شور و شوق را بین اهالی روستا و به‌ویژه میان کودکان و نوجوانان ندیده بودم. بعد از روزها آماده‌سازی، قرار بود مراسم «هجدهمین پاسداشت ادبیات جهاد و مقاومت» با حضور مهمانان ویژه کشوری و استانی در رکن‌آباد برگزار شود. مراسم باشکوه بسیاری برگزار شد و با حضور رئیس قوه مقننه از تقریظ مقام‌معظم‌رهبری بر کتاب «معبد زیرزمینی» رونمایی شد. نمی‌دانم اتفاقی بوده یا نه، ولی به نظرم شاید هیچ زمانی بهتر از این را نمی‌شد برای برگزاری چنین رویدادی پیدا کرد. اکنون که تونل‌ها، این‌بار در غزه کار خود را کرده و بعد از یک‌سال و اندی جنایات وحشیانه اسرائیل علیه مردم مظلوم این باریکه، شکست تاریخی دیگری را به دنیای استکبار تحمیل کرده‌اند.

شهید غلامحسین رعیت که مراسم پنجشنبه گذشته برای تجلیل از مجاهدت‌های او و همرزمان مقنی‌اش برگزار شد، استادکار مقنی‌های روستاهای رکن‌آباد و مهرآباد میبد بود. پیش از عملیات فتح‌المبین او مأمور شد تا تعدادی از مقنی‌ها را برای عملیات ویژه حفر یک تونل مهم به جبهه ببرد تا در منطقه‌ای که به دلیل شرایط جغرافیایی، عملیات روی زمین پیچیده بود، امکان غافلگیر کردن نیروهای دشمن فراهم آید. حفر این تونل ۴۶۰ متری که چندماه زمان برد، گره از عملیات فتح‌المبین گشود. حاج غلامحسین که فردی بسیار پرکار و پرانرژی بود مدتی بعد در جریان برنامه‌ریزی برای حفر تونلی دیگر در منطقه شرهانی، بر اثر اصابت ترکش خمپاره دشمن به شهادت رسید. مراسم رونمایی از تقریظ رهبر معظم انقلاب بر کتاب «معبد زیرزمینی» اکنون به خاطره‌ای شیرین برای همه ما اهالی روستا تبدیل شده است. مطمئنم خاطرات آن تا مدت‌ها در ذهن‌ها باقی خواهد ماند ولی بیش از آن یاد و خاطره سخت‌کوشی‌های شهید غلامحسین رعیت، پدربزرگم حسن رعیت و سایر همرزمان مقنی‌شان است که برای همیشه جاودان خواهد ماند. مجاهدانی که رهبر معظم انقلاب به زیبایی آن‌ها را در تقریظ‌شان، «هنرمندان کلنگ به دست» نامیدند.

مجلس می‌خواهد
۷ هزار قانون منسوخ را حذف کند

بروکراسی زدایی ایده بهارستان

فرهیختگان

نزدیک به ۱۲ هزار قانون در کشور وجود دارد، از این میان نزدیک به ۴ هزار قانون منسوخ شده است. یعنی یا قابلیت اجرا ندارند، یا با قانونی همانند هم‌پوشانی دارند، یا زمان اجرای آن گذشته و دیگر موضوعیتی ندارد. به همین خاطر، رئیس مجلس از زمان آغاز به کار مجلس سیزدهم و به طور مشخص در چند ماه اخیر به لزوم تنقیح قوانین و لغو کردن اجرای قوانین اضافی اشاره کرده است. قالیباف روز پنجشنبه در جریان سفر به شهر یزد به این موضوع اشاره و تأکید کرد که با بررسی و پالایش، ۱۲ هزار قانون به ۳ هزار و ۵۰۰ قانون کاهش پیدا می‌کند، علاوه بر این قرار است این ۳ هزار قانون در قالب ۵۲ قانون جامع ارائه شوند که «شفافیت و استفاده آسان را برای مردم و همه بخش‌ها به همراه داشته باشند.» دوسال می‌شود که مجلسی‌ها بررسی و تنقیح قوانین را کلید زده‌اند. حذف این قوانین به طور جدی از سال ۹۰ شروع شده اما مشکل اصلی این بوده که روند اصلاح آن قوانین به کندی پیش رفته است. حالا به نظر می‌رسد مجلس دوازدهمی‌ها برنامه‌ای جدی برای حذف قوانین منسوخ‌شده در ابعاد وسیع دارند، اقدامی که در صورت تحقق می‌تواند بار زیادی از قوانین موجود در کشور بردارد.

عزمی ۱۴ ساله برای تنقیح قوانین

مجلسی‌ها در سال ۸۹ قانون تنقیح و تدوین قوانین کشور را تصویب و اجرایی کردند. در ماده ۳ این قانون به این موضوع اشاره شده که معاونت امور تنقیح قوانین موظف است تعارضات موجود در مقررات را تشخیص داده و آن را به مرجع تصویب‌کننده قانونی ابلاغ کند و مقرراتی که موضوع آن‌ها منتفی شده را شناسایی و به مرجع تصویب‌کننده اعلام کند. همچنین به این موضوع هم اشاره شده که تمام دستگاه‌ها موظفند ظرف شش ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون، پیشنهاد تنقیح کلیه قوانین مربوط به خود را ارائه کنند. بعد از ابلاغ این قانون، معاونت قوانین مجلس فهرستی از ۱۸۷ عنوان قانون منسوخ از بازه زمانی ۲۳ بهمن سال ۵۷ تا ۲۹ اسفند سال ۹۰ را در اسفند ماه سال ۹۱ ارائه می‌کند که از جمله آن‌ها، لایحه قانون استخدامی کشور در مورد افرادی که در جریان جنگ نقص عضو شدند یا به شهادت رسیدند، لایحه قانون مطبوعات کشور (مصوب مرداد ۵۸)، قانون تأسیس وزارت معادن و فلزات (مصوب مرداد سال ۶۰)، قانون دیوان عدالت اداری (مصوب اسفند سال ۶۰)، قانون اصلاح ماده ۸۹ آیین‌نامه داخلی مجلس، قانون معافیت یک نفر از فرزندان خانواده‌های شهدا، معلولین، اسرا و مفقودالاثرها از خدمات وظیفه عمومی (مصوب آذر سال ۶۶) بودند. پس از این نیز در شهریور ماه سال ۹۴، معاون قوانین مجلس فهرستی از قوانین منسوخ‌شده در بازه زمانی فروردین سال ۹۰ تا اردیبهشت سال ۹۴ ارائه می‌کند.

۷ هزار قانون منسوخ داریم

با وجود اعلام و اعمال نسخ قوانین اما روند نسخ به کندی پیش رفته است. در شرایطی که حالا با نزدیک به ۷ هزار قانون نسخ‌شده مواجهیم، در این میان علاوه بر عدم انجام تنقیح قوانین، قوانین دیگری هم تایید و تصویب شدند که یا قابلیت اجرایی ندارند یا با قوانین دیگر هم‌پوشانی دارند. انباشت این قوانین روی هم منجر شده با انفجار قوانینی مواجه باشیم که گاهی خود مانع انجام و پیشبرد اقدامات و امور می‌شوند. دوسالی می‌شود که مجلسی‌ها، مشخصاً بر بررسی و تنقیح قوانین منسوخ‌شده در کشور متمرکزند. اقدامی که در سال‌های گذشته در مورد برخی قوانین منسوخ‌شده اعمال شده اما از زمان آغاز به کار مجلس دوازدهم و تأکید رئیس مجلس، قرار است شمار زیادی از قوانین منسوخ‌شده، ابطال شوند. آذر ماه بود که قالیباف در دیدار با جمعی از علمای مرکز تحقیقات اسلامی قم به این موضوع اشاره کرد که «مجلس چندین دوره است که روی تنقیح قوانین کار کرده اما روال آن بسیار کند بوده است و از آنجایی که سرعت تولید قوانین از تنقیح آن بیشتر بوده، هیچ‌گاه این کار به سرانجام نرسیده.» قالیباف در این جلسه به این موضوع اشاره کرد که «۱۲ هزار قانون در کشور وجود دارد که حدود ۷۰ هزار مقررات و آیین‌نامه آن منتشر شده و تلاش شده که با تنقیح قوانین، آن را به ۳ هزار قانون برسانیم.» این موضوع بار دیگر در جلسه روز پنجشنبه در شهر یزد مطرح شد و رئیس مجلس به کاهش تعداد قوانین به ۳ هزار و ۵۰۰ قانون اشاره کرد. البته اقداماتی نیز برای نسخ قوانین منسوخ‌شده در کشور انجام شده است. آبان امسال قالیباف در نامه‌ای به رئیس جمهور، ۷۸ قانون مرتبط به حوزه کار و کارگری را لغو کرد. نکته جالب توجه آن است که به نظر می‌رسد قرار است در تصویب و تنقیح قوانین از قابلیت‌های هوش مصنوعی استفاده شود. شهریور ماه امسال هم سامانه‌ای هوشمند برای تنقیح قوانین در مرکز پژوهش‌های مجلس افتتاح شد. بابک نگاهداری در توضیح افتتاح این سامانه به این موضوع اشاره کرد که تلاش شد در دو سال گذشته از ظرفیت هوش مصنوعی در تنقیح قوانین استفاده شود. نگاهداری در ادامه گفت: «برنامه‌ریزی برای فاز بعدی این سامانه، تمرکز بر قابلیت تنظیم متون قوانین جامع است و به نوعی ابزار هوش مصنوعی به‌عنوان دستیار در اختیار نمایندگان مجلس و حقوقدانان قرار می‌گیرد.»

چرا تنقیح قوانین؟

در سال‌ها و ادوار گذشته عملکرد مثبت یا منفی مجلسی‌ها عموماً در میزان طرح‌ها و قوانینی که اصلاح یا تصویب شده، سنجیده می‌شد. نمایندگان مجلس برای ابراز آنکه نسبت به معضلات موجود در کشور بی‌تفاوت نیستند، عموماً دست به تنظیم و تدوین قوانین جدید می‌زدند. علاوه بر این گاهی آسان‌ترین راه در مواجهه با معضلات و چالش‌های کشور، تنظیم و تدوین قانون جدید است اما تصویب همین قوانین نیز گاهی مشکلی به مشکلات اضافه می‌کرد. برخی از قوانین تصویب‌شده اساساً قابلیت اجرا نداشتند و سرنوشت آن‌ها، منسوخ ماندن قانون بود و نهایتاً هم مشکل موجود حل نمی‌شد و علاوه بر آن قانونی هم به دیگر قوانین موجود اضافه می‌کرد. در این بین آنچه کمتر مورد توجه قرار می‌گرفت، ضرورت کم کردن بخش زیادی از قوانین منسوخ‌شده در کشور بود. نمایندگان مجلس برای ابراز اینکه کارآمدی لازم را دارند، بیشتر بر تصویب قوانین جدید تمرکز داشتند. فارغ از قانون‌گذاری‌های مجلس در سال‌های اخیر و در سطح کلان و در مواجهه با قوانین با چند مشکل اساسی مواجه هستیم. نکته اول که چندباری نیز نمایندگان مجلس به آن اشاره کردند و البته هنوز هم دامنگیر قانونگذاری کشور است، قوانینی است که در زمان تدوین و تصویب، امکان و میزان تحقق آن در واقعیت جامعه در نظر گرفته نشده است. حالا با وجود آنکه تبدیل به قانون شده‌اند، اساساً قابلیت اجرایی ندارند. این مشکل گاهی متوجه برنامه‌های توسعه نیز شده است. بر مبنای آنچه علیرضا سلیمی، سخنگوی هیئت‌رئیسه مجلس گفته، تنها ۳۰ درصد از برنامه‌های پنجم و ششم توسعه اجرایی شده است. امری که بخشی از آن ناشی از غیرواقعی بودن برنامه یا برنامه‌ریزی ایدئال‌گرای آن بوده است. ایراد دیگری که برخی از این قوانین دارند این است که بدون توجه به اولویت‌های کشور تنظیم و تدوین شده‌اند. از طرف دیگر بخشی از قوانین تصویب‌شده با قوانین دیگر هم‌پوشانی دارند و در واقع تکراری هستند. مجموع این موارد نشان می‌دهد لازم است تا سازماندهی در مواجهه با این قوانین انجام شود. امری که به نظر می‌رسد مجلس دوازدهم عزم جدی برای تنقیح و سبک کردن این قوانین دارد. امری که در صورت تحقق می‌تواند بخش زیادی از بار قوانین اضافی موجود در کشور را سبک کند.